

ساعت ۷ صبح در طبقه همگف وزارت کشاورزی بودیم. نمایندگان کشاورزان خدابنده که اراضی شان توسط اوقاف و آن هم بعد از ۷۰۰ سال و به تولیت از طرف بلقان خاتون دختر همسر ارغون شاه (احتمالاً "عیسوی) وقف اعلام شده بود، از شب گذشته در نمازخانه وزارت کشاورزی در انتظار وزیر نشسته بودند، مامور آسانسور معاونین وزیر، از حمل خیرنگاران سرباز می زدند. با تانی به طبقه نوزدهم رسیدیم. بدون تشریفات وارد دفتر کار دکتر گلانتری شدیم. این اتاق از آغاز تاکنون هیچگونه تغییری در دکوراسیون نداشته و حدود ۱۰ وزیریا سرپرست را به خود دیده است از مهندس روحانی معدوم تا امروز. اتاق یک تابلو کم داشت، بیوگرافی مختصری از نام وزرای کشاورزی و تاریخ و مدت زمان صدارت آنها.

دکتر، میز وزارتت را رها کرده در گوشه ای از میز کنفرانس و پس از دیدار با مراجعین (هر روزه از ساعت ۶ الی ۷ صبح انجام می گیرد)، به انجام کار روزانه مشغول بود. پرسیدم دکتر چرا پشت میز وزارتت ننشسته اید؟ - اینجا راحت ترم.

- نکند چون زمانی میز مهندس روحانی معدوم بوده است؟

- من برای مصاحبه آماده ام.

یک ساعت صحبت کردیم. دکتر گلانتری به همه سئوالاتی که مطرح کردیم پاسخ گفت بدون اینکه آنها را سبک و سنگین کند، به ما (مطبوعات) طعنه بزند یا بپرسد این سئوال از کدام جناح آمده. با صراحت به سئوالات پاسخ گفت، آنقدر مسلط بود که نه تلفنی از معاونین آمار خواست و نه مصاحبه را به وقت دیگری موکول کرد.

دکتر عیسی گلانتری در سال ۱۳۳۱ در مرند (آذربایجان شرقی) متولد شده است. در سال ۱۳۵۲ از دانشکده کشاورزی ارومیه فارغ التحصیل و در سال ۱۳۵۷ از دانشگاه بنارسکا آمریکا فوق لیسانس گرفته است. در سال ۱۳۶۰ موفق به

دریافت درجه دکتری کشاورزی از دانشگاه ایالت امریکا شده است. دکتر گلانتری قبل از انقلاب در فعالیتهای سیاسی اتحادیه دانشجویان مسلمان شرکت داشته و پس از انقلاب در وزارت کشاورزی در سمت هایی مانند ریاست سازمان ترویج کشاورزی، رئیس موسسه تحقیقات - بهال و بذر معاونت وزیر کشاورزی و مدیرعامل گشت و صدمت مغان، مدرس و رئیس بخش پرورش گیاه و باغبانی دانشگاه تربیت مدرس عهده دار مسئولیت بوده است.

دکتر گلانتری کارشناسی است که پس از طی کردن سلسله مراتب مختلف وزیر شده است. مدیر اجرایی و تحصیل کرده. با ۲۴ سال تحصیل (کار کارشناسی را در وزارت کشاورزی آغاز کرده است) نمونه موفقیت آمیز تجربه هایش مدیریت گشت و صنعت مغان است که در زمان سرپرستی وی به عنوان یک گشت و صنعت صاحب نام مطرح بود و آثار خوب مدیریت قبلی هنوز هم وضعیت فعلی را تحت الشعاع قرار می دهد.

وزیر کشاورزی ساده و آرام صحبت می کرد و حتی با آن روزی که در مجلس حاضر شد و آرام و کلمه به کلمه کمتر از خودش و بیشتر از کشاورزی گفت فرقی نکرده بود. همواره تاکید وی بر ضرورت اقتصادی بودن کشاورزی و صرف کردن تولید برای تولیدکننده است. اطرافش نیز به جز تک و توکی سیاست باز و جمعی دوستان آذری ترک تاز الباقی کارشناسانی کار آزموده و معاونینی با تجربه هستند.

گرچه حدود یکسال و نیم است شورای معاونین را تشکیل نداده است اما در طبقه نوزدهم اکثر اتاقها با عنوان مشاور مزین شده اند.

چند سئوال هم نگفته باقی ماند، توقف خرید گوشت از ایرلند، واردات چا پرهای معروف ذرت، مناقصه پخش کود شیمیایی - ریاست کمیته المپیک و تیم کشاورز (که این دو می تواند بخشی از وقت یک وزیر اجرایی را به خود مشغول دارد) و... که پررویی خیرنگاری، با رفت و آمد افراد به دفتر وزیر خنثی شد. شاید وقتی دیگر...

وزیر کشاورزی:

کشاورزی و دامپروری صرف نمی کند

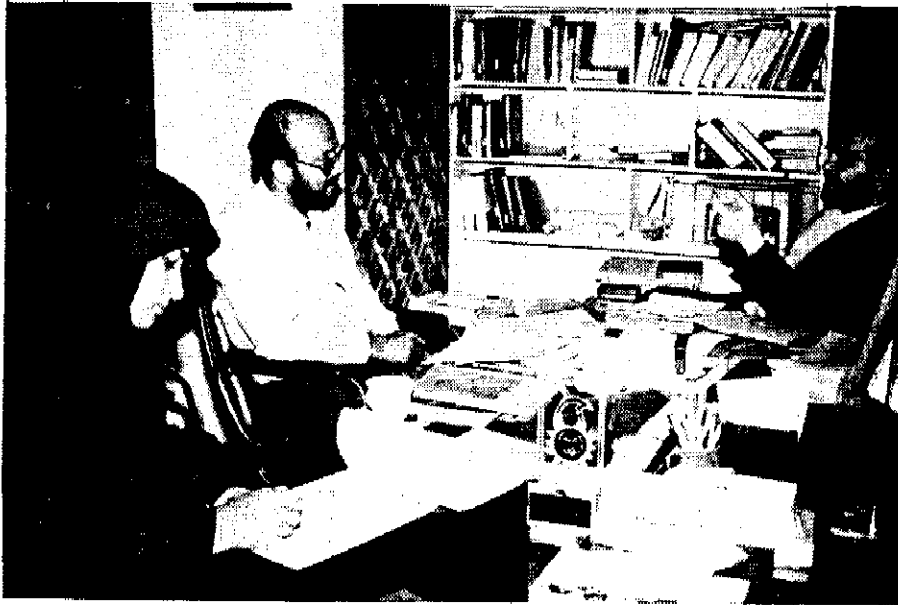
کننده داده شود فرقی نمی کند که کوچک باشد یا بزرگ. در یک جا به تولیدکننده و در یک جا به مصرف کننده پرداخت سوبسید درست است. ما به عنوان بخش کشاورزی طرفدار دادن سوبسید به مصرف کننده نیستیم. باید به تولیدکننده سوبسید داد. اما این گونه سوبسید نیز که تاکنون به تولیدکننده داده می شد می تواند برای تولیدکننده نابودکننده باشد. و در

گزارش: مسئله ای که مطرح است، نرخ گذاری بعد از حذف سوبسید است که با توجه به امکانات کم واحدهای کوچک در مقابله با نوسانات مالی احتمال ورشکستگی آنها وجود دارد، زیرا این واحدها اگر تاکنون سودی هم می برده اند از سیستم دوبرخی بوده است، از طرفی مصرف کنندگان چه خواهند شد؟ - وقتی قرار است سوبسید به تولید-

گزارش: آقای کلانتری تعریف شما از سوبسید چیست؟ - سوبسید عبارت است از کمک دولت برای حمایت از قشر مستضعف و کمک برای تولید کالا یا پائین نگهداشتن هزینه تولید و قیمت مصرف کننده، که اگر بخواهیم قیمت برای مصرف کننده پائین باشد بهترین راه دادن سوبسید به تولیدکننده است.

وزیر کشاورزی:

اگر کشاورز بودم. به شهر مهاجرت می کردم



هر صورت ادامه فعالیت یک واحد باید مقرون به صرفه باشد.

گزارش: با این تعریف، زمانی که سوبسید را حذف می کنید، قشر مستضعف (که تقریباً "عموم جامعه را در برمی گیرد) چگونه زندگی خود را بر مبنای نرخ گذاری جدید ادامه دهد. کارمندان شما که حقوق بگیر دولت هستند نیز جزو این قشرند. کمترین مشکل این است که قیمت ها بین ۴۰۰ الی ۵۰۰ درصد افزایش می یابد در حالی که حقوق بگیرها و کارگران افزایش دریافتی ندارند، آنچه را نیز که دولت به عنوان افزایش حقوق به آنها داده است. از کانال افزایش مالیات، بازنشستگی، حذف بن خواروبار و... پس می گیرد.

درست که دلار ۷ تومانی در تولید از این پس ۶۰ تومان محاسبه می شود اما به این معنی نیست که حقوق ۱۰ هزار تومانی باید ۸۰ هزار تومان بشود. اگر فرض کنیم این اختلاف مثلا "۸/۵ برابر شده در مورد محصولات کشاورزی قیمت گندم هر کیلو ۵۰ ریال افزایش می یابد. چرا که همه چیز در کشور ارزی نیست. افزایش قیمت ارز موجبات افزایش بخشی از قیمت تولید (ارزبری) خواهد شد و نباید فکر کنیم حقوق یک معلم یا کارمند هم باید ۸/۵ برابر افزایش یابد. ممکن است ده الی ۱۵ درصد این حقوق بار ارزی داشته باشد و در زندگی یک خانواده مؤثر شود.

گزارش: به عقیده من باید بیشتر از اینها باشد؟

— خیر. با درآمد ارزی ۱۵ میلیارد دلاری کشور، باید حساب کرد دولت چقدر باید هزینه کند. بخش خصوصی چقدر؟ درآمد ناخالص دولت چقدر است؟ باید وزارت اقتصاد و دارایی این محاسبه را انجام داده باشد. اینها را اگر مقایسه کنیم، بار ارزی در زندگی مردم ده الی ۱۵ درصد است. این تغییر در زندگی مردم است. یعنی حقوق ده هزار تومانی ده الی ۱۵ درصدش ارز است چیزی حدود هزار تومان (ماهی ۱۲۰ دلار) که اگر با دلار ۶۰ تومانی محاسبه شود ۷۰۰۰ تومان می شود.

گزارش: یعنی ۷ هزار تومان همان بار ارزی است و نه تیر اساسی در زندگی مردم دارد؟

— هفت هزار تومان با قیمت ۶۰ تومان

کشاورزی (جدا از وزیر بودن) با ۲۰ یا ۱۶ هزار تومان، زندگی اش باید ته مین شود اما یک دکترای طب با درآمدی حدود ۴۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان در ماه امرار معاش می کند، قیاس چگونه است؟

— این به عرضه و تقاضا بر می گردد. در بخش پزشکی تقاضا بالاست و عرضه کم و دکتر طب ۵۰۰ هزار تومان می گیرد. بنده با ۲۴ سال درس خواندن چون بازار کار ندارم و تقاضا کم است باید اینقدر حقوق بگیرم. فقط در بخش هیئت علمی دانشگاهها یا مؤسسات تحقیقاتی است که در حال حاضر دکترای کشاورزی ۳۰ الی ۴۰ هزار تومان هم می گیرد، اما دولت در وزارت کشاورزی، ماهانه ۱۶ هزار تومان می دهد.

گزارش: یعنی اگر دکترای کشاورزی وزیر شود جریمه دارد؟

— خیر حقوقی است که دولت تعیین کرده است.

گزارش: آقای دکتر اگر اختیار تعیین و پرداخت حقوق کارمندان مستقیماً با شما بود چه می کردید؟

— بر اساس واقعیات زندگی و کارکردشان تاء مین می شدند.

گزارش: آقای دکتر کلانتری به عنوان وزیر کشاورزی سؤال می کنیم، در صورتی که شما زارع و کشاورز بودید و در روستا زندگی کشت و زرع و دامپروری داشتید چه می کردید؟

روی زندگی فرق می کند مثلاً "حقوق ۱۰ هزار تومان اگر بشود ۱۷ هزار تومان می توان امیدوار بود که زندگی کارمند تاء مین شود.

گزارش: آیا در اینجا آثار تورمی نیز در نظر گرفته شده است؟ کرایه خانه، مایحتاج زندگی، و آنچه که گران می شود؟

— وقتی صحبت از تبدیل ارز است همه اینها محاسبه می شود.

گزارش: برای مقایسه از خودتان شروع کنیم آقای وزیر شما چقدر در ماه حقوق می گیرید؟

— ۱۶ هزار تومان.

گزارش: با احتساب ۱۰ درصد بار ارزی، اگر ۱۱ هزار تومان به ۱۶ هزار تومان حقوق شما اضافه شود واقعا "ته مین هستید؟

— اگر همه محاسبات درست باشد، قاعدتاً "باید چنین شود، ممکن هم هست که نشود.

گزارش: آقای کلانتری تاکنون با ۱۶ هزار تومان دریافتی ماهانه (حقوق) چگونه زندگی را می گذراندید؟

— در خانه پدری ساکن هستم، الباقی را هم می گذرانم.

گزارش: آیا مانند بقیه کارمندان دولت از جمله کارمندان خودتان کار دوم هم دارید تا زندگی را بگذرانید؟

— چون وزیر هستم خیر.

گزارش: شما عقیده دارید یک دکترای

است، اولاً" بفرمایید سیاست اتخاذ شده در اوایل انقلاب غلط بود یا سیاست کنونی، ثانیاً" فکر نمی‌کنید تصمیم اخیر از سوی بعضی از جناح‌ها به عنوان پیروی از سیاست استکبار مطرح شود؟

— ما با جناح‌ها کاری نداریم، ما به دنبال اقتصادی کردن تولید هستیم. و در همین زمینه به دنبال کشت یکپارچه و افزایش تولید هستیم. ما فکر می‌کنیم تا تولید اقتصادی نباشد، کشاورزی نیز رونق لازم را ندارد. حالا هر جناحی هر چه می‌خواهد بگوید، ما به دنبال مسائل سیاسی نیستیم. کشت و کشاورزی و دامداری اگر اقتصادی نباشد کسی هم مایل به سرمایه‌گذاری نیست. این هم بازار آزاد سرمایه‌گذاری هست که درآمدش به چندین و چند برابر کشاورزی می‌رسد. خودمان را امیدوار کنیم به اینکه با استعمار مبارزه می‌کنیم، کلاه سر خودمان می‌گذاریم و تولید را از بین می‌بریم و در مقابل درآمد نفتی‌مان را به مواد غذایی تبدیل کرده بخوریم. البته در این زمینه (کوچک شدن اراضی) من اعتقاد دارم گروه‌ها نقش داشتند.

گزارش: یعنی گروه‌ها باعث شدند زمینها کوچک‌تر شوند؟

— گروه‌های منافقین و توده‌ای و چریک‌های فدائی خلق در اوایل انقلاب مشخص نبودند. اینها در هر ارگانی از هر گروهی نفوذ داشتند. از طرفی بچه‌های انقلابی ما از لحاظ مسائل اقتصادی - اجتماعی اطلاعات کمتری داشتند. با ما بازی کردند، ما را در این مسیر انداختند و ما گرفتار شدیم. البته اعتقادی هم ندارم که کسی ۱۰ یا ۱۵ هزار هکتار زمین داشته باشد. واحدهای اقتصادی ما از ۲۰-۳۰ هکتار و از ۲۰۰-۳۰۰ هکتار در مناطق مختلف، وجود دارد.

گزارش: پس داشتن ۲۰۰ یا ۳۰۰ هکتار زمین گناه نیست؟ و مالک آن آمریکایی نیست؟

— گناه نیست و ما حمایت می‌کنیم.

گزارش: آقای دکتر، کشت محصولاتی مانند مارچوبه که اغلب از آن به عنوان محصول لوکس نام برده می‌شود سوددهی خوبی داشته باشد. این محصول لوکس صادرات خوبی نیز دارد آیا کشاورزان می‌توانند محصولات قابل صدور مانند مارچوبه و نظایر آن را تولید و صادر کنند



داشتن ۲۰۰ یا ۳۰۰ هکتار زمین گناه نیست.

— در مورد خدمات و ماشین‌آلات برای کود و سم هنوز تصمیم گرفته نشده تراکتور با ارزش رقابتی (هر دلار ۶۰ تومان) حدود ۸۰۰ هزار تومان تمام می‌شود که قیمت آن در سه سال آینده به تدریج، هر سال ۱۵۰ هزار تومان افزایش می‌یابد، در مجموع با محاسبات انجام شده، به ازای افزایش قیمت ماشین‌آلات، چیزی حدود ۲۵ ریال در هر کیلو، افزایش قیمت گندم خواهیم داشت، در مورد نرخ‌های تضمینی قبل از سال ۶۹ کالایی را به نرخ تضمینی خرید نکرده‌ایم و از سال ۶۹ که خرید تضمینی را شروع کردیم زمانی که انبار هم نداشتیم، محصول سیب‌زمینی را خریداری می‌کردیم (به دنبال آن مجوز ساخت ۸۰ هزار متر مکعب مجوز انبار گرفتیم، قابل قبول که انبار نداریم، صنایع تبدیلی نداریم، کارخانه نداریم (در گرگان به علت نداشتن کارخانه تبدیلی و انبار مناسب در سال گذشته ۷ هزار تن سیب زمینی نابود شد) ولی زمانی که نرخ خرید تضمینی برای محصولی اعلام کنیم حتما اقدام به خرید آن می‌کنیم.

گزارش: اوایل انقلاب سیاست آن بود که قطعات زمین باید کوچک شود و هر کس زمین زراعی بزرگی داشت مستکبر محسوب می‌شد و کشت مکانیزه یک کار آمریکایی به حساب می‌آمد. در حال حاضر سیاست کشاورزی به سوی یکپارچه شدن اراضی

— هم‌را می‌فروختم و به شهر می‌آمدم. گزارش: به همین راحتی؟

— بله چون کشاورزی در ایران سودآور و اقتصادی نیست. نیروهای شاغل در بخش کشاورزی چگونه باید به مشاغل کاذب در شهرها نپردازند در حالیکه در روستاها صنایع تبدیلی و دستی نداریم، کشاورزی مقرون به صرفه نیست. روستاها و مراکز تولید کشاورزی فاقد تاسیسات آموزشی، رفاهی و درمانی است و بهره‌برداری از زمین بازده بسیار پایینی دارد. در این شرایط بینیم شما اگر کشاورزی داشتید چه می‌کردید؟

از سؤال وزیر کشاورزی یکه خوردم، فکر کردم اگر رئیس‌جمهور هم در مقابل این سؤال قرار می‌گرفت احتمالاً "همین جواب را می‌گفت. گفتم بله، شاید اگر شما را می‌کردم.

گزارش: آقای دکتر سوسید را که بر می‌دارید، خدمات و ماشین‌آلات را بانرخ دلاری ۶۰ تومان عرضه می‌کنید قیمت‌های تضمینی هم که کاربردی ندارند زیرا یا انبار ندارید که جنس بخرد یا زمانیکه قیمت بازار کمتر از نرخ تضمینی است نمی‌کنید، تعاونی‌های روستایی هم که همواره عقب‌تر از سلف‌خرها و گاهاً به دنبال آنها هستند کشاورزان و دامداران در برخورد ناگهانی با این همه مسئله چه کنند؟

و در مقابل از بازار جهانی اشباع شده‌از گندم، غلات ارزان، خوراک دام و ... وارد کنند؟

— هر کسی که محصولی را در هر منطقه‌ای به کارد که سودآور باشد، ما از او حمایت می‌کنیم به‌خصوص که ارزآور هم باشد، اصلاً "کل زراعت مارچوبه مملکت چقدر بوده است؟ در گذشته کسی که مارچوبه می‌کاشت ۱۸۰۰ هکتار گندم، ۱۱۰۰ هکتار یونجه می‌کاشت و در کنار آن برای جبران ضرر، ۶۰ هکتار هم مارچوبه کشت می‌کرد.

هرکس در ایران ۳ هزار هکتار محصول اساسی بکارد — من دستش را می‌بوسم و حتی کمک می‌کنم تا ۵۰۰ هکتار مارچوبه بکارد.

گزارش: جناب وزیر، سپاه‌دانش به عنوان سرباز معلم وارد صحنه آموزشی شده است، پیکار با بی‌سوادی به نهضت سوادآموزی تغییر نام داده است و اصولاً بخشی از سیاستهایی که قبل از انقلاب اجرا می‌شد با تغییر نام و شکل مطرح، تصویب و اجرا می‌شود، آیا سپاه ترویج و آبادانی می‌تواند با نام جدید شروع به کار کند؟

— در حال حاضر لایحه‌اش در مجلس شورای اسلامی وجود دارد که دیپلمه‌های کشاورزی سربازی را در ترویج کشاورزی بگذرانند، ما منکر سیاست‌های درست قبل از انقلاب نیستیم، ما مخالف سیاستهای فاسد گذشته بودیم، قبل از انقلاب زهکشی و شبکه‌بندی می‌شد، آیا حالا نباید شبکه بندی کنیم، آن موقع جاده‌سازی می‌شد، فرودگاه می‌ساختند، کشت و صنعت ایجاد می‌شد، آیا حالا نباید بشود. در این جا فقط آدمهای بی‌منطق هستند که مشکل درست می‌کنند.

گزارش: آقای دکتر کلانتری شما هشتمین وزیر کشاورزی در جمهوری اسلامی هستید با توجه به اینکه جزو معدودی از وزرا هستید، که علاوه بر تحصیلات ذریبط و کسب تخصص لازم، از کارشناسی به معاونت و وزارت رسیدید، آیا صحبت‌هایی را که اینجا مطرح کردید به عنوان مسایل کشاورزان در مجلس هم مطرح کرده‌اید؟

— من پنجمین وزیر کشاورزی هستم و همواره در مجلس نیز همین مطالب را ذکر کرده‌ام.

گزارش: مجلس فارغ از نظرات شما

— وزیر کشاورزی: من اعتقاد ندارم که درآمد تولیدکننده پایین باشد.

— تعاونی‌ها اگر نتوانند رقابت کنند باید کنار بروند.

— این‌گونه سوبسید که تاکنون به تولیدکننده داده می‌شد می‌تواند نابودکننده باشد.

تصمیم می‌گرفته است؟

— خیر، مجلس از زمان تصدی پست وزارت کشاورزی توسط من یعنی از مهر ۱۳۶۷ تاکنون هیچ تصمیمی مغایر با سیاستهای کلی کشاورزی تصویب نکرده است.

گزارش: سالهاست سیاست کشت منطقه‌ای در کشور مطرح و عنوان شده، فکر نمی‌کنید برای بازدهی مناسب لازم است اقدام به منطقه‌ای کردن کشت و حمایت از سیاست اعلام شده بکنیم؟

— در حال حاضر ۹۰ درصد کشت ما منطقه‌ای است، بین ۵ الی ۱۰ درصد باقی می‌ماند، مسئله کشت منطقه‌ای تا حدود زیادی با فرهنگ کشاورز مرتبط است، اما با حمایت‌های محصولات اساسی و قیمت‌های تضمینی و سرمایه‌گذاری در صنایع وابسته خود به خود بیش از ۹۰ درصد کشت‌ها منطقه‌ای است. ممکن است ۵ درصد از اراضی گرگان مثلاً "زیر کشت گوجه‌فرنگی، خربزه یا محصولی نظیر آن باشد ولی وقتی سیاست‌های حمایتی ما براساس کشت غالب باشد و محصولاتمانند پنبه و دانه‌های روغنی در منطقه اقتصادی شوند، گوجه فرنگی کنار می‌رود. در واقع طبیعت و منطقه بیش از ۸۰ درصد کشت را انتخاب کرده و آنرا منطقه‌ای می‌کند.

گزارش: بسیاری از متخصصین، کارشناسان و کاردان‌های کشاورزی به مشاغل دیگر که سودآورتر هستند روی

آورده‌اند، یا در پست‌های دولتی، غیراز رشته تحصیلی خود مشغول هستند، این در حالی است که بسیاری از اراضی به دلیل عدم استفاده از دانش نوین، کمترین بازدهی را دارند. آب‌ها هرز می‌روند، زمین‌ها در زیر آفتاب منتظر تیغه‌های شخم و عملیات بذرپاشی هستند، آیا نمی‌شود اراضی قابل کشت و زرع و در دسترس آبیاری را پس از تسطیح، جاده‌کشی و خدمات زیربنایی به قطعات ۱۰، ۵۰ یا ۱۰۰ هکتاری (براساس منطقه کشت) تقسیم کنیم و با امکاناتی مانند وانت موتورپمپ، تراکتور و اعتبار قرض‌الحسنه به شکل اقساط به افراد متخصص واگذار کنیم، آیا این طرح را افزون‌طلبی یا استکباری می‌دانید؟ — داوطلب در این زمینه کم است، علاقمندی نیست.

گزارش: شما اعلام کرده‌اید که زمین تسطیح شده، موتورپمپ، تراکتور و وانت می‌دهید و فارغ‌التحصیلان کشاورزی و علاقمندان به این رشته روی نیاورند. — بله، اعلام شده است. این مسئله در زمان وزارت دکتر زالی عنوان شد اما اغلب داوطلبان به کشاورزی اطراف تهران یا اهواز یا حداکثر تا شعاع ۱۰ کیلومتری اطراف تهران، خراسان یا اهواز علاقمند هستند کسی حاضر نیست در مناطق دیگر مانند جیرفت، خوزستان یا در اراضی دور دست کشاورزی کند.

گزارش: چنانچه کسی داوطلب فعالیت در بخش‌هایی مانند جیرفت یا حتی دورتر از آن باشد و به وزارت کشاورزی مراجعه کند شما قول واگذاری زمین و امکانات (تراکتور، موتورپمپ و وانت) می‌دهید؟ — حتماً " امکاناتی از قبیل زمین و تراکتور داده می‌شود، اما من در مورد وانت نمی‌توانم قول قطعی بدهیم زیرا سهمیه وانت وزارت کشاورزی را هم نداده‌اند، ولی به متقاضیان زمین و آب مناسب واگذار می‌شود.

گزارش: قطعات زمین‌های واگذاری چند هکتاری است؟ ۱۰۰ هکتاری؟ — به عرضه و تقاضا بستگی دارد، اگر تقاضا زیاد باشد به ناچار قطعات زیاد خواهد بود. سیاست کلی آن است که زمین زراعی حالت اقتصادی داشته باشد، من اصولاً "اعتقادی ندارم درآمد تولیدکننده آنقدر پایین باشد که به مشاغل دیگر متکی باشد یا مثلاً " با وانت یا